

جایگاه رنگ و رنگ آمیزی در معماری اسلامی و ایران

فرازین سلطانی گردفرامرزی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه علم و فرهنگ،
ایران

Farazin73@gmail.com

دکتر کیوان لولوئی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات،
ایران

k.loloie@gmail.com

چکیده

فرهنگ و ادب دوره ی اسلامی ایران، در بردارنده مباحث گوناگونی پیرامون رنگهاست، که خود تأثیر زیادی در هنر اسلامی داشته است، این امر در لایه لای احادیث و آیات، کتب ادبی و هنری مطرح شده است. وجود آثار هنری باقی مانده از دوران اسلامی گویای حقیقت فوق است. رنگها در هنر و فرهنگ اسلامی ایران به درجاتی مانند با ارزشترین، شریفترین، زیباترین، بالاترین و... تقسیم و انتخاب شده و به کار رفته اند. انتخاب رنگ طلایی گنبدها، کاربرد فراوان زمینه ی آبی و متن سفید و مفهوم قدس رنگ سبز، گویای آن است. علاوه بر این از دوران تاریخی صدر اسلام تاکنون، رنگها عاملی برای بیان هویت اقوام و ملیتها، بوده که سپاه جامگان، سرخ جامگان و سفید جامگان با قزلباشها در زمان صفویه از آن جمله است. رنگ یکی از مدرکات بصری است و در فرهنگ و هنر اسلامی با تفسیرهای عرفانی و ابعاد زیبایی شناسانه به جنبه های مختلف آن از جمله تأثیرات روانی و شناختی آن توجه شده است، بویژه حکمت وجه تمایز رنگ، آدمی را در بسیاری موارد رهنما بوده است. در حدیث قدسی آمده است: و كذلك ارادت فی تدبیری بعلمی النافذ فیهم خالفت بین صورهم و اجسامهم و الوانهم و اعمارهم و ارزاقهم و طاعتهم و معصیتهم در این حدیث قدسی تفاوت رنگها یکی از تدابیر و حکمتهای خداوندی است. از این رو درک زیبایی هستی و شناخت ابعاد آن براساس اختلاف رنگها که خود نعمتی بس عظیم است، برای انسان میسر می شود. پدیده ی رنگ و رنگ شناسی چنان جایگاهی را در زندگی بشر، بویژه در بعد هنرمندانه و زیبایی شناسانه، به خود اختصاص داده که تخصصهایی در زمینه ی تولید، به کارگیری و شناخت آنها به وجود آمده است. فرازهایی از چنین مسائلی در اشارات کتابها آمده، به طوری که در اقصی نقاط جهان نیز رایج بوده است. پیش از این در ونیز برای درک رموز رنگ تا پانزده سال صرف وقت می کردند. امری که نقاشان بیش از دیگر طبقات با آن سروکار داشتند و معماران و رنگ سازان و دیگر هنرمندان نیز دائم درگیر رنگ و مسائل مربوط به آن بودند. کثرت رنگها فراتر از قوه ی تشخیص بصری انسان است، براساس تحقیقات دانشمندان در کشور ما بیش از یکصد و هفتاد رنگ واژه در زبان فارسی شناخته شده است. مطالعات علمی بر روی گونه های رنگی نشان می دهد که شمار طیف رنگها ۵ میلیون رنگ است و چه بسا که فراتر از این نیز باشد. / حدود ۷ مبحث رنگها و ماهیت، کیفیت و نیز اثر آن همواره مورد کاوش و مذاقه ی حکمای قدیم، عرفا، شعرا و نیز هنرمندان ایرانی بوده است. البته دیگران نیز در مورد آن بی تفاوت نبودند، لیکن در ایران بویژه عرفانی ایرانی، به صورت خاص به ابعاد آن توجه کرده اند. ارسطو دو رنگ اصلی را سیاه و سفید می داند و معتقد است که بقیه ی رنگها از اختلاف و امتزاج این دو رنگ پدید آمده اند. افلاطون رنگهای اصلی را چهار رنگ سیاه، سفید، سرخ و لامع دانسته است. حکمای اسلامی همانند شیخ الرئیس ابو علی سینا، ملا صدرا و شیخ اشراق و... هر کدام در مورد پدیده رنگها نظریات مفصلی را ابراز کرده اند. بارزترین نمود رنگ، انتخاب آن برای پرچم هاست که هر کشوری متناسب با اصول و اعتقادات و تأویلات و مفاهیم خود، رنگ مناسب را با علامتها و سمبلهای مربوط، برای پرچم کشور خود انتخاب

کرده و هر کشوری پرچم خاص خود را با چند رنگ و در مواردی تک رنگ مشخص ساخته است. از جمله پرچم سه رنگ ایران که در تشریح رنگهای انتخاب شده، سبز را نشانه اعتقاد به اسلام، سفید نشانه ی علاقه مندی به صلح و سرخ نشان از دفاع از کشور با نثار خون است. رنگ سبز در پرچمهای بیشتر کشورهای اسلامی دیده می شود و رنگ بهشتی محسوب می شود و در عرفان اسلامی نیز جایگاه بلندی دارد. اغلب رنگ سیاه را، رنگی شیطنانی و سیاه بختی و در مرتبه ی بسیار پایین قرار داده ولی تعدادی نیز آن را رنگ تکامل و به عبارتی بالاترین رنگ می پندارند که ماورای آن رنگی وجود ندارد.

کلید واژه: رنگ، معماری اسلامی، معماری ایرانی